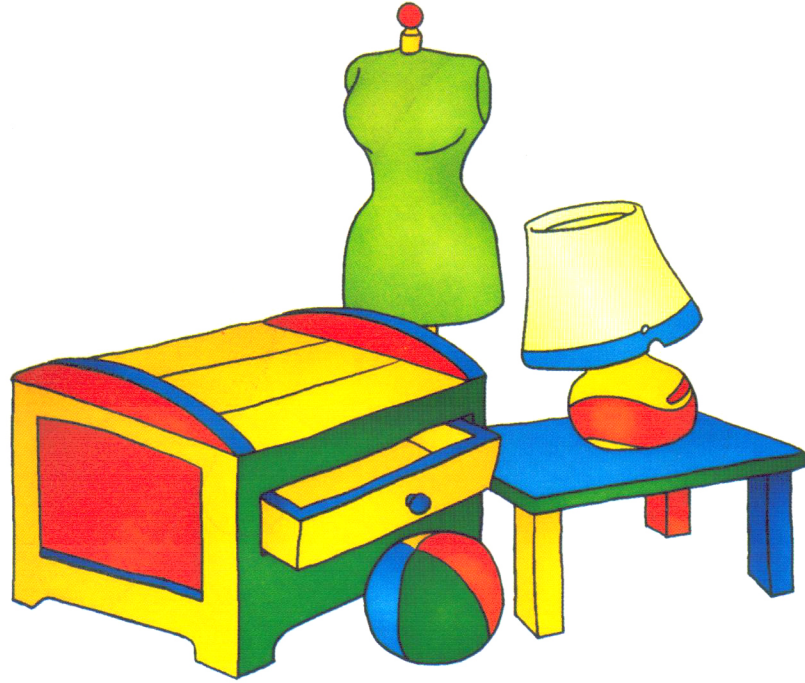


کایو

گرگ



نویسنده: ژوسلین سانشگرن

کایو از اینکه در مورد گرگی که دیده بود؛ صحبت می‌کرد؛ خوشحال بود.
او برای پدرش تعریف کرد که گرگ چه کار می‌کرده. کایو ادای گرگ را
در می‌آورد و روی پنجه‌ی پا راه می‌رفت.

